



در جست‌وجوی آیفون جدید

آیفون در ایران، یک پدیده اجتماعی عجیب است که در میانه جنگ، گرانی و... هم به بقا ادامه می‌دهد؛ کالایی که

مشتري‌های متعصب دارد و نشانه‌ای از رفاه، ثروت و برتری بر دیگران است. وقتی یک آیفون جدید رونمایی می‌شود، هر کسی که بتواند زودتر با جدیدترین گوشی در آینه آسانسور عکس بگیرد برنده می‌شود یا حداقل جزو تیم برنده‌ها خواهد بود. الان دوران جولان آیفون ۱۸ در بازار است.

یک هفته قبل موجود شد

۱۸ شهریور ۱۴۰۵ کمپانی اپل در مراسمی رسمی از آیفون ۱۸ رونمایی کرد. چیزی نگذشت که فضای مجازی ایران پر از خبر فروش این گوشی شد. الان و ۱۸ روز بعد از تاریخ رونمایی، محصول جدید آیفون در پاساژهای تهران با قیمتی از ۳۵۰ تا ۵۰۰ میلیون تومان به فروش می‌رسد. ارزش روز دلار حدود ۲۳۰ هزار تومان است و با این حساب هر گوشی در پایتخت ایران حداقل ۱۵۰۰ دلار قیمت دارد. کمی مانده به ظهر، مغازهای پاساژ نسبتاً خلوت‌ند. فروشنده‌ها که اغلب پسران جوان برومند با لباس نو هستند، زمین را تمیز کرده و شیشه ویتترین مغازه را برق انداخته‌اند. قیمت لوازم رایانه‌ای و کالاهای دیجیتال مانند دوربین، تحت‌تأثیر دلار به شدت بالا رفته و مشتری ندارند. بازار گوشی‌های هوشمند اما بهتر است و مشتری‌هایی دارد که برس و جو می‌کنند و از قیمت می‌پرسند از نخستین فروشنده که مقابل مغازه‌اش ایستاده است درباره پیش‌فروش آیفون ۱۸ سؤال می‌کنیم. می‌گوید: «پیش‌فروش مال موقعی است که گوشی هنوز به بازار نیامده. الان فروش نقدی داریم و جنس جولی چشم مشتری است.» او آیفون ۱۸ پرور را ۲۵۰۰ پرومکس را ۴۹۰۰ تومان می‌فروشد. می‌گوید: «قیمت آیفون ۱۸ کمی کمتر از آیفون ۱۷ است، زیرا آیفون ۱۷ رجیستر شده و در چرخه استفاده قرار دارد اما آیفون ۱۸ هنوز به مرحله رجیستر نرسیده است. با این حال می‌شود برای یکی دو ماه از آن استفاده کرد و تا آن موقع رجیستری هم «توی سامانه نمی‌نشیند.» از فروشنده می‌پرسیم وقتی راه‌واردات رسمی از کشورهای حاشیه خلیج فارس بسته است، گوشی‌ها چطور به تهران می‌رسند؟ می‌گوید: «از سمت غرب می‌شود گوشی‌ها را آورد. یکی دو مسیر نیست. از یک هفته قبل آیفون ۱۸ توی تهران موجود شد.»

واردات محدود از مرزها

اصل‌وشرح

گوشی که از درون جعبه خارج نشده باشد «نات‌اکتیو» است. اگر یک‌بار روشن شده و مراحل راه‌اندازی را هر مرحله‌ای روی آن انجام شده باشد «کتیو» می‌شود. اکتیو بودن همیشه به معنی دست دوم بودن نیست اما به گفته

غذای دانشگاه‌ها انتخابی می‌شود

معاون وزیر علوم و رئیس سازمان امور دانشجویان در گفت‌وگو با همشهری فعالیت‌های رفاهی این سازمان در ابتدای سال تحصیلی را شرح داد

جامعه

امروز

محمد سرابی روزنامه‌نگار ایش از ۱۰۰ دانشگاه زیر مجموعه وزارت علوم هستند که برخی از آنها فعالیت آموزشی خود را از ۱۵ تا ۲۸ شهریور آغاز کرده‌اند، اما نخستین روز این هفته شروع قطعی سال تحصیلی جدید بود و دانشجویان جدیدالورود هم کمی دیگر در آبان‌ماه روانه کلاس‌های شوند. امسال موضوع تغذیه و ظرفیت خوابگاه‌ها باعث نگرانی‌هایی در بین دانشجویان شده بود. با سعید حبیبی، معاون وزیر علوم و رئیس سازمان امور دانشجویان درباره طرح جدید تغذیه دانشجویی، ساخت خوابگاه‌های متاهلی و وام دانشجویی گفت‌وگو کردیم. چکیده این مصاحبه را می‌خوانید.

تعليق طرح جدید غذای دانشجویی

امسال تابستان درباره طرح جدید تغذیه دانشجویان تصمیم‌گیری و ظاهر مطالعات گسترده‌ای نیز انجام شده بود، اما ناگهان اجرای آن به حالت تعلیق درآمد و فرایند رزرو غذا به شکل قبلی برگشت. چگونه طرحی که از چنین پشتوانه‌ای برخوردار بود، به این سرعت متوقف شد؟ حبیبی در پاسخ به این سؤال می‌گوید: «نظام تغذیه دانشگاه‌های ما بیش از ۱۰ سال با یک الگوی ثابت اداره می‌شد و یکی از موضوعاتی که همواره محل گلابه دانشجویان بوده، بحث تغذیه است. معمولاً دانشگاه با یک پیمانکار قرارداد منعقد می‌کرد و دانشجو ناچار بود از همان غذای ارائه‌شده استفاده کند، فارغ از اینکه کیفیت آن مطلوب باشد یا نباشد. به این نتیجه رسیدیم که به‌جای اتکا به یک پیمانکار، امکان حضور چند تأمین‌کننده غذا در دانشگاه فراهم شود و اگر کیفیت غذای یک تأمین‌کننده مناسب نباشد، دانشجو می‌تواند براساس کیفیت و تنوع غذایی، تأمین‌کننده دیگری را انتخاب کند. در این مدل قرار نبود پولی به دانشجو پرداخت شود، بلکه اعتبار برای خرید غذا در اختیار دانشجو قرار می‌گرفت. هر زمان دانشجو از آن اعتبار استفاده می‌کرد، مبلغ از اعتبار

صندوق رفاه دانشجویان به حساب تأمین‌کننده غذا واریز می‌شد. برنامۀ این بود که این طرح را از سال گذشته به صورت آزمایشی اجرا کنیم، اما جنگ ۱۲ روزه و سپس جنگ ۴۰ روزه و تعطیلی دانشگاه‌ها اجرای آزمایشی را به تعویق انداخت. معاونان دانشجویی دانشگاه‌های هر منطقه، قیمت غذای ارزان، متوسط و پرهزینه را برآورد کردند و براساس میانگین این قیمت‌ها سهم پرداختی دانشجو تعیین شد. این سهم در سال‌های گذشته نیز حدود ۵ درصد بود.

نگرانی دانشجویان از طرح جدید

با اعلام این طرح مخالفت‌های دانشجویان هم شروع شد، زیرا آنها نگران «آزادشدن» هزینه غذا بودند. حبیبی در این باره می‌گوید: «چون طرح جدید بود، نگرانی‌هایی در میان دانشجویان شکل گرفت. شوراهای صنفی نیز مخالفت‌هایی را مطرح کردند. از آنجا که هدف ما اجرای طرح به نفع دانشجویان بود، جلسات متعددی با نمایندگان شوراهای صنفی

وام کم اما پر مقاضی

نگاه

یکی از مسئولان صندوق رفاه دانشجویان اعلام کرده بود که «این وام‌های دانشجویی بین ۲۰ تا ۵۰ درصد افزایش پیدا می‌کند، اما این وام‌های اندک در شرایط تورم و مشکلات اقتصادی این روزها چقدر راهگشا است؟ حبیبی می‌گوید: «وام‌هایی که اکنون پرداخت می‌شود، پاسخگوی همه نیازهای دانشجویان نیست، اما همچنان استقبال از آن زیاد است. تقاضا برای دریافت وام‌های دانشجویی بالا است و فقط

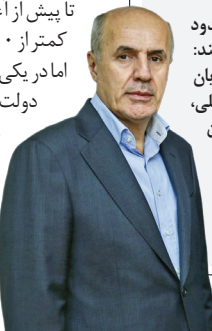
فروشنده‌گان بازار، گوشی دست‌نخورده تا ۲۵ میلیون تومان گران‌تر از اکتیو است. باز هم از چگونگی حمل گوشی‌ها می‌پرسیم که فروشنده می‌گوید: «از همان راهی که قرار است ال‌جی و سامسونگ وارد شوند.» مدتی پیش سازمان توسعه تجارت اعلام کرد واردات لوازم خانگی محصول کره جنوبی به صورت محدود و از مرز زمینی آزاد است. آیفون ۱۷ رجیستر شده و فعال تا ۵۰۰ میلیون

تومان قیمت دارد. یکی از مشتری‌های می‌خواهد آیفون ۱۷ را به ۱۱۸ تقا دهد. مدت زیادی از خرید گوشی قبلی نگذشته و هنوز نو است. براساس قیمت‌های روز می‌شود از ۱۷ به ۱۸ رسید اما مغازه‌دار از خرید خودداری می‌کند و او را به پاساژ دیگری حواله می‌دهد. ظاهراً خرید گوشی دست دوم به روش خاصی انجام می‌شود و برخی در آن تخصص دارند.

فراهم‌بودن شرایط و وجود متقاضی می‌تواند آن را اجرا کند. در حال حاضر برخی شرکت‌هایی که تنوع غذایی مناسبی دارند، عمل‌هین مدل را اجرا می‌کنند و خدمات خود را ارائه می‌دهند. در دانشگاه صنعتی شریف این مدل با همکاری یکی از شرکت‌های فعال در حوزه تأمین غذا آزمایش شد و رضایت بسیار خوبی نیز به همراه داشت. آن شرکت بیش از ۷۰ تا ۱۰ نوع غذا در اختیار دانشجویان قرار می‌داد و دانشجویان امکان انتخاب داشتند.»

افزایش تعداد خوابگاه متاهلان

امسال موضوع خوابگاه‌های متاهلان هم مطرح شد. با توجه به رویکرد دولت درباره تشکیل خانواده و افزایش جمعیت باید تعداد این خوابگاه‌ها افزایش پیدا می‌کرد. درحالی‌که ظرفیت خوابگاه‌های دانشجویی هیچ‌وقت به اندازه دانشجویان متقاضی خوابگاه نبوده است. حبیبی در این خصوص می‌گوید: «یکی از اقدامات بسیار مهمی که در این دولت آغاز شده، تشکیل ستادی ویژه در وزارت علوم از ابتدای فعالیت دولت آقای پزشک‌بان برای توسعه خوابگاه‌های متاهلی است.» او با مقایسه تعداد خوابگاه‌های مجردی و متاهلی بیان می‌کند: «واقعیت این است که تعداد خوابگاه‌های متاهلی در مقایسه با خوابگاه‌های مجردی بسیار اندک بود. برای مثال، دانشگاه تهران در مقطعی حدود ۴۰۰ تا ۴۰۰ واحد خوابگاه متاهلی داشت، حتی برخی دانشگاه‌ها اساساً خوابگاه متاهلی نداشتند یا بسیار محدود بود. در مقابل در بخش خوابگاه‌های مجردی، حدود ۱۱۳۲ بلوک خوابگاهی در کشور وجود دارد که حدود ۲۳۰ هزار دانشجویان تحت پوشش قرار می‌دهد. ۳۲ بلوک ویژه دانشجویان پسر و ۶۳ بلوک ویژه دانشجویان دختر است. علاوه بر این، خوابگاه‌های وقفی نیز داریم که توسط خیران ساخته می‌کند.» در زمینه خوابگاه‌های متاهلی تعداد واحدها تا پیش از آغاز این دولت بسیار محدود و در مجموع کمتر از ۵۰۰ واحد مسکونی برای ۵۰۰ خانوادۀ بود. اما در یکی، دو سال اخیر، هم‌زمان با آغاز فعالیت دولت آقای پزشک‌بان ۲۱۹ واحد خوابگاه متاهلی به دانشگاه‌ها تحویل داده شده و در ۶ ماهه دوم امسال ۴۰۰ واحد دیگر هم تحویل داده می‌شود و تا پایان برنامه هفتم توسعه نیز این خوابگاه‌ها به ۶۰۰ واحد خواهد رسید.»



۱۵ درصد از متقاضیان موفق به دریافت آن می‌شوند. سال گذشته حدود ۲ هزار میلیارد تومان (۲ همت) وام دانشجویی پرداخت شد.» او تأکید می‌کند: «این وام‌ها هیچ‌گونه سودی ندارند و به صورت قرض الحسنه در اختیار دانشجویان قرار می‌گیرند. بخش عمده این تسهیلات در قالب وام‌های ضروری، وام تحصیلی، وام شهریه و وام ودیعه مسکن پرداخت می‌شود. در سال جاری نیز میزان این وام‌ها بین ۲۰ تا ۵۰ درصد افزایش یافته است. اما همچنان با محدودیت منابع مالی مواجه هستیم. به همین دلیل، هم سال گذشته و هم امسال از سازمان برنامه‌ریزی درخواست کرده‌ایم اعتبارات صندوق رفاه را افزایش دهد.»

روایت عکسی که نماد شهادت شد

عملیات کربلای ۵ در جنوب کانال پرورش ماهی و منطقه شلمچه، جان‌های بسیاری را با شهادت گره زد. در آن جغرافیا، یکی از روزهای سال ۶۵ بود که ثبت یک عکس به نماد شهادت جوانان وطن تبدیل شد؛ تصویر شهید امیر



به دست احسان رجبی بازگو می‌کند: لحظاتی که عکاس تصمیم گرفت به مأموریت خود یعنی ثبت تصویری از جنگ و شهدا باز گردد: «به‌خود گفتیم، من اینجا هستم، دوربین عکاسی دارم، یک عکس برای مادر این شهید بگیرم.»

حاج امینی. در روزهای گذشته هم روایت احسان رجبی عکاس، از لحظات ثبت این عکس ماندگار بر تکرار شده است. روایتی که از نحوه شهادت ۵ نفر از جمله شهید حاج امینی در این کانال و لحظه پوشاندن چهره شهدا را

زندگی روی دکل

گفت‌وگو با دکل‌بندی که کار در ارتفاع برای او و هم‌محلی‌هایش، یک شغل آبا و اجدادی است

گزارش

رابعه تیموری روزنامه‌نگار | وقتی حاج‌اسدالله از قلق‌ها و فوت‌وفت‌های شغلش می‌گوید، همه چیز آسان و ساده به نظر می‌رسد: «همه قطعه‌های نبشی و لوله‌ای، شماره و نقشه نصب دارند، ما هم آنها را به ترتیب روی هم سوار می‌کنیم تا دکل برپا شود.» اما کار آنها به این سادگی نیست. کاشتن پایه‌های دکل‌های غول‌پیکر در زمین‌های سرسخت مناطق کوهستانی و کوهپایه‌ای و برافراشتن امن و آرام این غول‌های آهنی و فولادی در دل آسمان شمال و جنوب کشور، داستان‌هایی پرماجرا دارد؛ ماجراهایی خوش و ناخوش که فقط در سینه‌های پر قصه مردان دکل‌بند باقی می‌ماند. هیچ‌کس نمی‌داند آنها چه لحظاتی را از سر گذرانده‌اند تا دکل‌های بلندبالا، روشنائی برق را به خانه‌ها برسانند، راه‌های ارتباطی مخابراتی کشور را حفظ کنند و چراغ صنعت نفت را روشن نگه دارند. اسدالله اسدالله زاده از موسفید کره‌های شهر گلوگاه است که ۴۷ سال از عمر ۷۰ ساله‌اش را به دکل‌بندی و تربیت دکل‌بندان جوان گذرانده است.

فولاد چین: از زمین تا آسمان

سال‌ها جفت و بست کردن قطعات دکل‌های غول‌پیکر برق، نفت و مخابرات سبب شده حاج‌اسدالله و شاگردان کارگاهش، چشم‌پسته بتوانند چنگک‌ها و جای بیج‌ومهره کردن هر یک از قطعات دکل‌ها را پیدا کنند یا بدون دم و دستگاه اندازه‌گیری، زاویه قوس و شعاع خم هر اتصال را تخمین بزنند. وقتی متصل کردن و شماره‌گذاری قطعات به پایان می‌رسد، تر و فرز‌ترین شاگردان حاج‌اسدالله راهی محل برپا کردن دکل می‌شوند. پیرمرد تا چندماه پیش خودش هم با شاگردان دکل‌بندش همیا می‌شد و با آنها به شهرهای دور و نزدیک سفر می‌کرد که یادشان دهد وقتی لایه‌لای کوه‌های پرهیبت، دکل‌های ۳۰ چندمتر برپا می‌کنند، چطور باید نبشی‌های چند کیلویی را بدون کش‌وقوس دادن به تن‌شان از نوک بالا برو و جرقیل بقایند تا با چند سانتی‌متر بیشتر خم شدن به زیر پای کوه‌های بی‌رحم و مروت سقوط نکنند. نشانشان دهد چطور داغی هوای شرعی بالای ۵۰ درجه جنوب را تاب بیاورند و بدون سرگیجه گرفتن از بوی تند چاه‌های نفت آماده استخراج اطراف دکل، به‌رو می‌گذاشتن و آماده کردن قطعات شماره‌گذاری شده فولادی مشغول باشند.

ستاره به ستاره کار کردن

پیرمرد برای طاقت آوردن سرمای استخوان‌سوز بیابان‌های غرب کشور به تجربیات گرانی در چننه دارد، اما دیگر تنش قوت روزهای جوانی را ندارد که پا به پای شاگردانش برای دکل‌بندی به نقاط دور و نزدیک کشور برود. حاج‌اسدالله به همشهری می‌گوید: «پدرم و بسیاری از مردان فامیل ما دکل‌بند بودند. من هم از وقتی جوان بودم، برای دکل‌بندی به شهرهای مختلف می‌رفتم و بیشتر عمرم را روی دکل گذراندم.» نقل روزهای گذشته، خاطرات سختی‌هایی را که کشیده برایش زنده می‌کند: «کوله سفر دکل‌بندان همیشه آماده است و آنها ماه‌های طولانی را به دور از خانواده‌ها می‌گذرانند. در آنجا هم بعد از چند ساعت کار سخت در ارتفاع، نه جای خواب راحتی نصیبشان می‌شود و نه غذایشان مهیا و آماده است. درآمد هم از یک کارمند کمتر است.» هر روز کاری دکل‌بندان با ناپدید شدن آخرین ستاره صبحگاهی در آسمان آغاز می‌شود و با ستاره‌ریز شدن شامگاهی آسمان به پایان می‌رسد: «دکل‌بند باید ستاره به ستاره کار کند و هیچ دکل‌بندی مزه خواب دم‌جاست یا شب‌نشینی آخر شب را نمی‌چشد.» پسران حاج‌اسدالله کار پدر را ادامه می‌دهند و بسیاری از جوانان شهر گلوگاه در کارگاه او فوت‌وفت‌های این شغل پرخطر و پردلهره را می‌آموزند.

سنگری به نام دکل

شاید کمتر کسی بداند که در روزهای جنگ، مردان گلوگاهی برای روشن ماندن چراغ خانه‌ها و کارخانه‌ها یا قطع نشدن خطوط مخابراتی مناطق درگیر جنگ، چطور جانانشان را کف دست گرفتند یا در مناطق نفتی چه خطراتی را به جان خریدند تا دکل‌های آهنی به خاک‌ریزی در مقابل نقشه‌های دشمن تبدیل شود و چرخه استخراج نفت را برقرار نگه دارد. حاج‌اسدالله می‌گوید: «بیشتر دکل‌بانان کشور اهل گلوگاه هستند و در روزهای ۲ جنگ اخیر بسیاری از آنها به تهران و شهرهای جنوبی رفتند تا اگر دشمن دکل‌ها را زد، خیلی زود آنها را تعمیر کنند. بعضی از آنها هم در جنگ صدمه دیدند و زخمی شدند، ولی با آنکه مجروح بودند، تا رویه‌راه شدن دکل‌های آسیب‌دیده، کارشان را تعطیل نکردند.»

مکت

گلوگاه؛ شهر دکل‌بندان



وقتی مرحوم عطا اسدی و مرحوم مراد قاسمی، دم‌ودستگاه دکل‌بندی را به گلوگاه آوردند اسدالله، نوجوانی کم‌سن و سال بود. حاج‌اسدالله می‌گوید: «اسدی و قاسمی نخستین دکل‌بندان شهر گلوگاه بودند. آنها این شغل را در گلوگاه رواج دادند. مرحوم اسدی و قاسمی سال‌ها پیش برای کار به تهران رفته بودند و در یک شرکت فرانسوی تولید قطعات دکل کار می‌کردند. سال ۱۳۴۸ که کم‌آبی و بیخیلی آسمان، کشت و کار را از رونق انداخت، آنها یک کارگاه دکل‌بندی در گلوگاه راه انداختند و تعداد زیادی از جوانان در این کارگاه مشغول شدند.»

گذشت زمان دل آسمان را نرم نکرد و هر سال شمار کشاورزان کمتر و تعداد دکل‌بندان، بیشتر می‌شد: «ان از هر دو جوان گلوگاهی، یک نفر دکل‌بندی می‌کند و بیشتر دکل‌بندان ایران اهل گلوگاه هستند.»

طبق آمارهای رسمی حدود ۱۵ درصد از جمعیت کل ۲۲ هزار نفری شهرستان گلوگاه به دکل‌بندی مشغولند: «بیشتر از ۵۰۰ دکل‌بند گلوگاهی تابه‌حال کشته یا زخمی شده‌اند.»

دکل‌بند سفیدموی گلوگاهی بی‌توجهی به ایمنی دکل‌بندان را باعث وقوع حوادث تلخ و به‌خطر افتادن جان فعالان این صنف می‌داند: «پیمانکاران برای دکل‌بندان تجهیزات ایمنی تأمین نمی‌کنند و هر سال برای آنها اتفاقات زیادی می‌افتد که باعث کشته یا مجروح شدن آنها می‌شود.»

